وزیر کشور:

اشد مجازات در انتظار مسببان حادثه متروپل

گروه حوادث/ آمار قربانیان حادثه ریزش برج متروپل آبادان در حالی رو به افزایش است که وزیر کشور خواهان برخورد قاطع دستگاه قضا با مسببین این حادثه شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، صبح جمعه و همزمان با پنجمین روز حادثه ریزش برج متروپل، امدادگران برای باز شدن جبهه جدیدی که بتواند روند آواربرداری را تسریع کند ضلع شرقی «متروپل» را تخریب کردند. طبق اظهار احسان عباسپور فرماندار آبادان تا ظهر جمعه آمار قربانیان متروپل به ۲۴ نفر رسیده بود.

احمد وحیدی وزیر کشور نیز که برای رسیدگی به این واقعه در آبادان حضور دارد گفت: با دستور رهبر معظم انقلاب و ابلاغ رئیس جمهور عملیات آواربرداری و خطرزدایی از برج متروپل آبادان سرعت گرفته و به وضعیت خانواده‌های جانباختگان رسیدگی می‌شود. سازه باقی مانده برج متروپل ناپایدار و خطر آفرین است و هم اکنون وارد مرحله خطرزدایی برای سرعت بخشیدن به آواربرداری ناشی از توده‌های آویزان بتنی هستیم.

وزیر کشور با بیان اینکه در متروپل یک جنایت اتفاق افتاد، گفت: در حادثه متروپل، متأسفانه نه تنها تعلل بلکه جرم بزرگی اتفاق افتاده است کسانی که برای کسب درآمد بیشتر براحتی با جان مردم بازی کردند، به هیچ وجه قابل گذشت نیستند من فکر می‌کنم دستگاه قضا باید با اشد مجازات با مسببین و کسانی که غفلت کرده‌اند برخورد کند. مردم هم مطمئن باشند که دستگاه قضا درخصوص کسانی که عامل بروز فاجعه تلخی بوده‌اند، رسیدگی قاطعی خواهد کرد. حتماً باید سایر پرونده‌هایی را که در این حوزه و شهر هستند رسیدگی کنیم و همین الان نیز دستور آن صادر شده است و شکایت‌های موجود باید رسیدگی شوند.

وحیدی بیان کرد: بحث اول ما آواربرداری است و دوم نیز خطرزدایی است که الان در این مرحله هستیم و مراحل بعدی بنا به بررسی‌های کارشناسان و متخصصان است. به هر حال فعلاً در مرحله رفع خطر هستیم. از همه استان‌ها و شرکت‌های فعال در استان خوزستان مشارکت داشته‌اند. همه دستگاه‌ها و نهادهای حاضر در این بحران، از جمله هلال احمر، مدیریت بحران کشور، اورژانس، قرارگاه خاتم، سپاه، آتش‌نشانی، نیروی انتظامی و شرکت پالایش نفت فعال بوده‌اند و کار با هماهنگی پیش می‌رود.

وزیر کشور عنوان کرد: از محبت همه مردم آبادان تشکر می‌کنم و از مردم می‌خواهم به محل حادثه نزدیک نشوند.

■ موقعیت جغرافیایی متروپل کار را برای امدادگران سخت کرده است

محمدحسین نامی، رئیس ستاد بحران وزارت کشور گفت: موقعیت بد جغرافیایی ساختمان که در هسته اصلی شهر قرار داشته، دسترسی به ساختمان مورد نظر را سخت و امدادگران را با مشکل مواجه کرده بود که با تدابیر لازم تاکنون کارها با سرعت و شتاب بیشتری انجام شده است.

صادق خلیلیان استاندار خوزستان گفت: این حادثه نتیجه سهل‌انگاری مسئولان دولت‌های گذشته است که بدون نظارت و کارشناسی اجازه ساخت چنین سازه‌ای را صادر کرده‌اند و قطعاً باید با متخلفان برخورد شود.

■ کمک های بی وقفه مردمی

تلاش‌های امدادگران برای یافتن گرفتار شدگان در زیر آوار متروپل در حالی ادامه دارد که خانواده افراد گرفتار شده هم به کمک آنها رفته‌اند. یکی از افرادی که دو نفر از بستگانش را از دست داده به «ایران» گفت: در زیرزمین و در حال آواربرداری برای پیدا کردن اجساد هستیم. حال و روزم به قدری بد است که توان صحبت ندارم. اینجا همه دارند کمک می‌کنند هر کسی که قوم و خویشش در متروپل زیر آوار مانده به اینجا آمده تا به امدادگران کمک کند. مردم با دست خالی سنگ و بتن جابه‌جا می‌کنند.

متأسفانه آزمایشگاهی پشت برج متروپل بوده که در این حادثه تخریب شده است. از آنجایی که در شهرهای اطراف از جمله مینوشهر آزمایشگاه یا کم است یا نیست، مردم برای آزمایش به آبادان می‌آیند که در این حادثه چند نفری گرفتار آوار شدند و جان باختند.

■ جدال ۶ ساعته یک دختر با مرگ

فاطمه قاسمی، یکی از کارمندان شرکت متروپل است که به طرز معجزه‌آسایی از مرگ نجات یافته است، پدر این دختر جوان به خبرنگار «ایران» گفت: دخترم لیسانس حقوق دارد و یک سالی می‌شود که در هلدینگ عبدالباقی مشغول به کار شده بود. دفاتر هلدینگ طبقه ششم بود و تنها یکی از دفاترش در طبقه اول بود که دخترم در آنجا کار می‌کرد و پاسخگوی مشتری‌ها بود.

او ادامه داد: روز دوشنبه دوم خرداد ساعت از ۱۲ گذشته بود که یکی از همکاران دخترم با من تماس گرفت و خبر ریزش متروپل را داد. فوراً خودم را به آنجا رساندم. خیابان بسته شده بود، به سختی راه باز کردم تا به برج‌ها رسیدم. با دیدن ساختمان، شوکه شدم. بتن روی بتن خوابیده بود. هیچ کلمه‌ای نمی‌تواند حس آن لحظه مرا توصیف کند. با خودم گفتم خدایا چطور دخترم را از زیر این آوار پیدا کنم و نجات دهم؟ با تلفن همراه دخترم تماس گرفتم اما جواب نمی‌داد.

مرد میانسال گفت: همکار دخترم با من تماس گرفت و گفت که فاطمه گفته در ضلع غربی متروپل داخل مغازه‌ای گیر افتاده است. با عجله به آنجا رفتم و با دست خالی شروع به کندن زمین کردم. هر لحظه امکان داشت بقیه ساختمان هم بریزد اما برایم مهم نجات دخترم بود، ستون‌ها کج شده بودند. بقیه مردم و امدادگران به کمکم آمدند یکدفعه دست دخترم را دیدم که از خاک بیرون مانده بود. با کمک چندین نفر بتن‌ها را کنار زدیم. پای دخترم زیر یک ستون گیر کرده بود و نمی‌توانست تکان بخورد. خدا به تمام کسانی که کمک کردند تا دخترم را نجات دهم خیر بدهد، آنها تیرآهن آوردند و موفق شدیم دخترم را بعد از ۶ ساعت حبس از زیر خاک‌ها و بتن‌ها بیرون بیاوریم.

پدر فاطمه ادامه داد: مشکلی اصلی نبود تجهیزات توسط آتش‌نشانان و امدادگران بود. ما خودمان مجبور شدیم شیشه مغازه تجهیزات پزشکی را بشکنیم و از داخل آن تجهیزات برداریم و به مداوای دخترم بپردازیم.

مرد میانسال گفت: دخترم گفت در لحظه حادثه عبدالباقی، سالار کشفی که کارشناس مشاور عمرانی شرکت بود، منشی و چند کارمند دیگر در طبقه ششم بودند. دخترم بعد از ریزش آوار به داخل مغازه طبقه پایین سقوط کرده و زیر میزی افتاده که میز جان او را نجات داده و از ریزش آوار به سرش جلوگیری شده بود اما همکارش که پسری ۱۹ ساله به نام علیرضا بود به طبقه منفی یک افتاده و جان باخته که جسدش را امروز صبح (جمعه) بیرون کشیدند. دخترم در بیمارستانی در اهواز بستری است و هنوز شوکه است حال روحی خوبی ندارد. می‌گوید چند ثانیه قبل از این حادثه متوجه شدند از ساختمان سنگ در حال ریزش به خیابان است در حالی که متعجب بودند ناگهان ساختمان شروع به لرزش کرده و ریخته است.

■ قطع عضو کارگر ساختمانی

عبدالله بحرانی، یکی از کارگرهای ساختمانی است که در زمان حادثه ریزش متروپل در طبقه دهم این ساختمان مشغول کار بود اما ناگهان زیر پایش خالی شد و زمین و زمان به هم ریخت. برادرش می‌گوید معجزه شد که او زنده ماند. دو برادرم در متروپل کارگر بودند یکی از برادرها برای انجام کاری از برج خارج شده بود که این اتفاق افتاد و بلافاصله به ما خبر داد و به کمک آنها رفتیم برادرم را همان موقع پیدا و به بیمارستان منتقلش کردیم اما مجبور شدند پای عبدالله را قطع کنند و هنوز در کماست.

این مرد به خبرنگار «ایران» گفت: برادرم و دو باجناقش به نام‌های هاشم که ۲۷ سال داشت و مرتضی ۲۴ ساله در این پروژه کارگر بودند. البته یکی از اقوام مان به نام امین هم در این پروژه با برادرم کار می‌کرد. جسد هاشم را پنجشنبه شب پیدا کردند و جسد مرتضی را یک روز قبل‌ترش، اما هنوز جنازه امین پیدا نشده است. زنده ماندن برادرم هم معجزه بود که موفق شدیم او را همان لحظات اولیه از زیر آوار بیرون بکشیم و به بیمارستان ببریم. اما هنوز به هوش نیامده و ما نگران او هستیم.

او ادامه داد: برادرم یک دختر دو ساله دارد و فرزند دیگرش قرار است یک ماه دیگر به دنیا بیاید. زمانی که متروپل سقوط کرد، من در محل کارم بودم. ساعت ۱۲:۲۰ متروپل سقوط کرد و خودم را به آنجا رساندم و به کمک برادرم و دوستان و افرادی که آنجا بودند، برادرم را پیدا کرده و از زیر آوار بیرون کشیدیم. خدا را شکر می‌کنیم که این حادثه غروب یا اول شب اتفاق نیفتاد وگرنه باور کنید صدها نفر جان خود را از دست می‌دادند. با ریزش متروپل، مردمی که در آن نزدیکی بوده و جان سالم بدر برده بودند، به کمک مغازه‌داران کنار متروپل و زیر آوار گرفتار شده‌ها آمدند و مردم را از زیر آوار نجات می‌دادند.

سرقت گوشی به سفارش مالخر

گروه حوادث/ سارق سابقه‌دار که تازه از زندان آزاد شده بود به پیشنهاد یک خریدار اموال مسروقه گوشی‌های مدل بالا سرقت می‌کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل دختر جوانی در تماس با پلیس از سرقت گوشی تلفن همراهش توسط راکبین یک موتورسیکلت خبر داد. به‌دنبال اعلام خبر سرقت، تحقیقات از سوی کارآگاهان پلیس آگاهی پایتخت آغاز شد.

در ادامه تحقیقات کارآگاهان با شکایت‌های مشابه مواجه شدند. در تمامی سرقت‌ها دو پسر جوان سوار بر موتورسیکلت در خیابان پرسه زده و گوشی‌های تلفن همراه را از عابران یا راننده‌ها در پشت چراغ قرمز به سرقت می‌بردند.

■ شناسایی سارقان

در بازبینی دوربین‌های محل گوشی قاپی، مأموران موفق شدند تصاویر متهمان را به‌دست بیاورند. یکی از متهمان به نام امین از مجرمان سابقه دار بود که سال گذشته پس از آزادی، سرقت‌هایش را دوباره از سر گرفته بود و با تشکیل باندی دو نفره، گوشی قاپی می‌کرد.

با دستگیری متهم ۲۰ ساله و همدستش، آنها به گوشی قاپی‌های سریالی اعتراف کردند.

امین گفت: پس از آزادی از زندان برای اینکه باید رد مال شاکی‌های قبلی‌ام را پرداخت می‌کردم تصمیم گرفتم دوباره سرقت کنم. یک روز که به پاتوق مصرف مواد رفته بودم، پژمان که صاحب پاتوق بود پیشنهاد داد که برای او گوشی سرقت کنم تا آنها را با مبالغی بالاتر از مالخرهای دیگر از من بخرد. به پیشنهاد پژمان به همراه یکی از هم پاتوقی‌هایم باندی را تشکیل دادیم و سرقت‌ها را آغاز کردیم. طبق سفارش پژمان، ما فقط گوشی‌های آیفون و سامسونگ مدل بالا را سرقت می‌کردیم. ساعت ۲ بعد از ظهر به بعد و باتوجه به خلوتی خیابان پرسه می‌زدیم و با مشاهده سوژه مناسب، سرقت را انجام می‌دادیم. شگرد دیگرمان این بود که پشت چراغ قرمز، راننده‌هایی که در حال صحبت با تلفن همراه بودند را شناسایی کرده و در چشم برهم زدنی گوشی‌های آنها را می‌قاپیدیم. گاهی اوقات در روز ۵ گوشی سرقت می‌کردیم و آنها را به پژمان تحویل می‌دادیم. باتوجه به مدل گوشی‌ها از یک تا ۷ میلیون تومان آنها را به پژمان می‌فروختیم.

■ دستگیری مالخر

با اعتراف امین، تحقیقات برای دستگیری پژمان آغاز و کارآگاهان پلیس موفق به دستگیری مرد جوان در پاتوقش شدند. در بازرسی از مخفیگاهش بیش از ۲۰۰ گوشی تلفن همراه مسروقه کشف شد.

پژمان در تحقیقات گفت: از آنجایی که مدتی بود با یکی از اتباع بیگانه آشنا شده بودم او گوشی‌های سرقتی را با مبلغی مناسب از من خریداری می‌کرد و به خارج از کشور به‌صورت قاچاقی انتقال می‌داد، تصمیم گرفتم طبق خواسته او گوشی سرقتی بخرم. بعد از آن گوشی‌ها را دو میلیون تومان گرانتر به خریدار می‌فروختم و او هم گوشی‌ها را به خارج از کشور انتقال می‌داد.

با اعتراف پژمان، مرد جوانی که گوشی‌های سرقتی را از او خریداری می‌کرد نیز شناسایی و دستگیر شد. تحقیقات در رابطه با شناسایی سایر مالباختگان ادامه دارد.

همدستی مادر و پسر برای قتل پدر

گروه حوادث/ پسر جوان در اقدامی هولناک با همدستی مادرش و خوراندن قرص برنج پدرش را به قتل رساند و جسدش را در بیابان رها کرد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز ۲۹ اردیبهشت خبر ناپدید شدن مردی ۶۱ ساله به مأموران کلانتری ۲۵ محمد شهر اعلام شد.

با اعلام خبر ناپدید شدن مرد بازنشسته رسیدگی به پرونده در دستور کار کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی استان البرز قرار گرفت.

در نخستین گام اعضای خانواده به‌عنوان مطلع برای بازجویی به اداره پلیس دعوت شدند، این درحالی بود که خانواده وی مدعی شدند پدرشان از خانه خارج شده و دیگر برنگشته است. در حالی که تحقیقات برای یافتن مرد میانسال ادامه داشت مشخص شد پسر کوچک خانواده به نام مهران به یکی از شهرهای شمالی سفر کرده است.

در ادامه بررسی‌ها کارآگاهان دریافتند پدر خانواده از مدت‌ها قبل با پسرش مهران اختلاف خانوادگی داشته و این اختلاف بعد از ازدواج وی بیشتر شده است. بنابراین پسر جوان به‌عنوان نخستین مظنون این حادثه تحت پیگرد قرار گرفت. از سوی دیگر پلیس در بازبینی دوربین‌های مداربسته مقابل خانه مرد گمشده دریافتند وی آخرین بار که وارد خانه‌اش شده است دیگر از خانه بیرون نیامده است و پس از آن مهران و مادرش با خودروی پدر از خانه خارج شده‌اند.

سرهنگ محمد نادربیگی، رئیس پلیس آگاهی استان البرز با بیان اینکه این موضوع باعث شد تا بیشتر به اعضای خانواده ظنین شویم گفت: در ادامه بار دیگر همسر و فرزندان این مرد به پلیس آگاهی دعوت شده و مورد تحقیقات تخصصی قرار گرفتند که در نهایت همسر مقتول چند روز پس از این حادثه با مشاهده مستندات پلیس به ناچار لب به اعتراف گشود و به قتل شوهرش با همدستی پسرش مهران اعتراف کرد و گفت: شوهرم مرد بداخلاق و خسیسی بود همیشه زندگی را برای من و بچه‌هایم جهنم می‌کرد. با این حال من او را تحمل می‌کردم ،تا اینکه بچه‌هایم بزرگ شدند و یکی از پسرهایم ازدواج کرد. از آنجا که وضع مالی خوبی نداشت قرار شد بعد از ازدواج در خانه ما زندگی کند اما مشکلات ما با این اتفاق بیشتر شد. شوهرم یک حقوق بازنشستگی داشت و به سختی از پس مخارج زندگی بر می‌آمد.به همین خاطر هم از اینکه پسرم و همسرش سر سفره او می‌نشستند ناراحت بود و با ما بدرفتاری می‌کرد و من از این موضوع دیگر خسته شده بودم. به همین خاطر با پسرم نقشه کشیدیم او را به قتل برسانیم. بعد پسرم مقداری قرص برنج خرید و داخل غذایش ریختیم بعد از اینکه مطمئن شدیم جان باخته جسدش را با خودروی خودش از خانه خارج کرده و در بیابان‌های جاده ساوه رها کردیم. اما الان واقعاً پشیمانم چون هم شوهرم کشته شد و هم زندگی پسر جوانم تباه شد.

در ادامه تحقیقات پسر مقتول درباره انگیزه قتل گفت: من و همسرم بعد از ازدواج مجبور شدیم نزد پدر و مادرم زندگی کنیم. پدرم فقط یک حقوق بازنشستگی داشت ،طبیعی بود از اینکه من و همسرم سرسفره آنها بودیم ناراضی باشد برای همین من نقشه قتل او را کشیدیم. ولی خیلی پشیمانم و امیدوارم خداوند از گناه من بگذرد.

پس از اعترافات متهمان پرونده با تلاش تیمی از کارآگاهان جنایی سرانجام روز چهارشنبه جسد مقتول در حوالی جاده زرندیه نزدیک ساوه کشف و به دستور بازپرس کشیک قتل جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.

متهمان پس از تکمیل تحقیقات برای انجام مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شدند.

اخبار

قاتل افسر پلیس دستگیر شد

گروه حوادث/ عامل قتل مأمور پلیس در گلوگاه مازندران که به تهران فرار کرده بود، شناسایی و دستگیر شد.

سردار مرتضی میرزایی، فرمانده انتظامی مازندران در تشریح این خبر گفت: ساعت یک و ۳۰ دقیقه بامداد شنبه سی و یکم اردیبهشت خبری مبنی بر وقوع قتل با شلیک چند گلوله در خیابان فرمانداری شهر گلوگاه به پلیس اعلام شد و موضوع به صورت ویژه در دستور کار فرماندهی انتظامی این شهرستان و پلیس آگاهی استان قرار گرفت. کارآگاهان و کارشناسان پلیس آگاهی با تشکیل تیم ویژه بررسی صحنه قتل و اعزام به محل وقوع جنایت در بررسی‌های اولیه دریافتند یکی از کارکنان انتظامی استان سیستان و بلوچستان اهل شهرستان گلوگاه به نام ستوان‌دوم «وحید ناظری» را که در حال سپری کردن مرخصی در محل اقامت خود بوده، به قتل رسانده و متواری شده‌اند.

با انجام تحقیقات از خانواده مقتول در کمتر از ۲۴ ساعت، متهم این جنایت شناسایی شد و مأموران با هماهنگی قضایی و تشکیل تیم ویژه عملیاتی، متهم اصلی پرونده را در استان تهران شناسایی و دستگیر کردند.

سردار میرزایی اظهار کرد: متهم به قتل در تحقیقات و بازجویی‌های فنی پلیس، با توجه به شواهد و قرائن موجود لب به اعتراف گشود و ضمن اقرار به قتل با سلاح گرم جنگی (کلت) علت و انگیزه قتل را اختلافات شخصی عنوان کرد.

سردسته باند سارقان خشن در ایستگاه مرگ

گروه حوادث/ سردسته باند سارقان خشن که با ضرب و جرح زنان اقدام به سرقت طلاهای آنها می‌کرد پس از تأیید حکم محاربه‌اش به دار مجازات آویخته شد. به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از اواخر سال ۹۶ و با چند شکایت مشابه از سوی زنان به پایگاه ششم پلیس آگاهی تهران آغاز شد. شاکی‌ها مدعی بودند مرد جوانی به همراه یک نفر دیگر به بهانه پرسیدن آدرس به آنها نزدیک شده و ناگهان با حمله غافلگیرانه و کتک زدن و مجروح کردن آنها با چاقو طلا و پول‌هایشان را سرقت کرده بود. یکی از مالباختگان در تحقیقات گفت: حوالی ظهر مقابل در خانه منتظر دخترم بودم تا سرویس مهدکودک او را بیاورد. وقتی دخترم پیاده شد و به طرف خانه رفتیم به محض اینکه خواستم در را ببندم ناگهان مرد جوانی دستش را روی در گذاشت و مرا به داخل هل داد، بعد چاقو را روی گردنم گذاشت و مرا تهدید به مرگ کرد وقتی طلاهایم را از دست و گردنم خارج کرد با موتورسیکلتی که همدستش روی آن بود فرار کردند. به‌دنبال شکایت‌های سریالی از اعضای باند خشن، کارآگاهان به بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل سرقت‌ها پرداختند و تصاویر متهمان خشن را به‌دست آوردند. در ادامه از آنجایی که سارقان خشن، متهمان سابقه دار بودند، هویت آنها شناسایی و ۴ متهم پرونده دستگیر شدند. سردسته این باند در تحقیقات گفت: در خیابان‌های خلوت شرق تهران با دو موتورسیکلت که هر کدام دو سرنشین داشتند پرسه می‌زدیم. با دیدن یک زن تنها به او نزدیک می‌شدیم و من از موتورسیکلت پیاده می‌شدم و آدرس می‌پرسیدم. اگر طلا داشت به او حمله می‌کردم و با گذاشتن چاقو روی گردنش طلاها را سرقت کرده و از محل متواری می‌شدیم. ما هفته‌ای یک یا دوبار از پاکدشت برای سرقت می‌آمدیم و پس از انجام سرقت‌هایمان دوباره راهی پاکدشت می‌شدیم.

به دنبال اعتراف متهمان، کیفرخواست سردسته این باند از سوی بازپرس شعبه دوم دادسرای ویژه سرقت به اتهام محاربه صادر شد. وقتی پرونده متهم به دادگاه عمومی و انقلاب رفت حکم اعدام وی صادر شد و سرانجام سحرگاه چهارشنبه گذشته سردسته باند به دار مجازات آویخته شد.

علی صالحی، دادستان تهران در خصوص جزئیات این خبر اظهارداشت: این سارق مسلح و همدستانش پس از گشت با موتورسیکلت، سوژه خود را از بین بانوان انتخاب کرده و پس از تهدید و ترساندن مالباخته با قمه و خنجر به وسیله قیچی آهن‌بُر طلاهایشان را بریده و سرقت می‌کردند. پس از طی مراحل دادرسی، اثبات جرم محاربه از طریق سرقت مسلحانه و صدور حکم اعدام برای سردسته باند این حکم در دیوان عالی کشور تأیید و صبح چهارشنبه ۴ خرداد به مرحله اجرا گذاشته شد.

آتش سوزی گسترده در کارخانه رنگسازی

گروه حوادث/ آتش‌سوزی گسترده در کارخانه صنعتی واقع در تهرانپارس تهران بدون تلفات جانی مهار شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۱۶:۱۹ روز پنجشنبه خبر آتش‌سوزی در خیابان جشنواره به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که ۱۲۰ آتش‌نشان از ۶ ایستگاه به همراه ۱۵ دستگاه تانکر آب به محل حادثه اعزام شدند. محل آتش‌سوزی یک کارخانه بود که سه تا چهار کارگاه آن در حدود دو هزار متر مربع دچار آتش‌سوزی شده بود. سید جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران در این باره گفت: این کارگاه ها مختص تزریق پلاستیک، رنگ‌سازی و رنگرزی و پارچه بود و آتش به طور کامل این اماکن را فرا گرفته بود و آتش‌نشانان از چند طرف عملیات آب و کف‌رسانی را آغاز کردند و در ادامه آتش‌نشانان از طریق نردبان هیدرولیکی وارد عملیات و موفق شدند از حجم زیاد شعله‌های آتش جلوگیری کنند. بر اثر شدت حرارت بخشی از دیوار و سقف‌های محل حادثه تخریب شده بود اما خسارت جانی در پی نداشت که سرانجام پس از چند ساعت آتش مهار شد.

سرقت گازوئیل از لوله اصلی شرکت نفت

گروه حوادث/ ۶ مرد تبهکار با حفر یازده متری زمین از خط لوله انتقال سوخت شرکت نفت در بندرعباس ۳۰ هزار لیتر گازوئیل سرقت کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چندی قبل مأموران پلیس بندرعباس در جریان سرقت یک باند از خط لوله انتقال گازوئیل قرار گرفتند. مأموران پلیس آگاهی بندرعباس با انجام اقدامات فنی و پلیسی، محل حفر زمین و سرقت از خط لوله را واقع در روستای پشته ایسین شناسایی کردند.

سردار غلامرضا جعفری فرمانده انتظامی هرمزگان در این باره گفت: در پی مصوبه شورای تأمین مبنی بر رسیدگی و پیگیری جدی حفاری خط لوله انتقال سوخت شرکت نفت استان هرمزگان مراتب به‌صورت ویژه در دستور کار فرماندهی انتظامی شهرستان بندرعباس با مدیریت و نظارت مستقیم فرمانده انتظامی شهرستان قرار گرفت. پس از انجام تعقیب و مراقبت‌های شبانه‌روزی متوالی و تحت نظر قرار دادن عوامل دست‌اندرکار و مجرمانی که مشارکت داشته‌اند و پس از شناسایی محل، مأموران با تشکیل چندین تیم عملیاتی و با هماهنگی قضایی، پس از ورود به محل دپوی سوخت قاچاق دو نفر از متهمان را که در حال انجام سوخت‌گیری بودند، دستگیر کردند. همچنین مشخص شد متهمان به طرز ماهرانه با حفر زمین به طول ۱۱ متر یک لوله را به خط لوله اصلی انتقال سوخت شرکت نفت متصل کرده و در حال تخلیه سوخت از نوع گازوئیل هستند که پس از هماهنگی‌های مربوطه ۶ متهم دستگیر و نسبت به انتقال سوخت مکشوفه به مقدار ۳۰ هزار لیتر توسط سوخت‌رسان شرکت نفت اقدام شد. شناسایی و دستگیری سایر متهمان و میزان سوخت‌های سرقت و قاچاق شده به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار دارد.